

# گذشته چراغ راه آینده نیست!

گفتگو با علی جوادی در حاشیه "روز کوروش" (۱)

صفحه ۲

## کارگران و تشکیلاتی حزبی

گفتگو با اصغر کریمی

صفحه ۴

## کناره گیری بارزانی و تحولات کردستان عراق

کاظم نیکخواه

صفحه ۶

## نسل ها و آینده ایران

متن ویرایش شده سخنرانی مینا احدی در کنگره سکولار دمکراتهای ایران

بتاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۱۷

صفحه ۸

## قتل در محیط کار

شهلا دانشفر

صفحه ۹

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۱۰



پیام رضا شهبانی از زندان رجایی شهر

حمایت شما مدافعین حقوق کارگری و انسانی در ایران و در سطح بین المللی

تنها ضامن آزادی من و دیگر همقطاران در بند خواهد بود

همه با هم یک صدا در حمایت از کارگران و زندانیان سیاسی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

جمعه 03.11.2017 از ساعت 15:00

آدرس محل برگزاری آکسیون: فرانکفورت در مقابل کنسولگری ج. اسلامی

Raimundstraße 90, 60320 Frankfurt a.M.

شماره تماس: 015122148263

معمود صالحی آزاد باید گردد

رضا شهبانی آزاده باید گردد

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۳۶

جمعه ۱۲ آبان ۱۳۹۶، ۳ نوامبر ۲۰۱۷

دو هزار کارگر عسلویه دست به  
اعتصاب زدند

صفحه ۳

محمود صالحی باید فوراً آزاد شود

صفحه ۳

جمهوری اسلامی مسئول قتل  
کارگران پالایشگاه و دکل نفتی است

صفحه ۵

کارگران تراورس در مقابل مجلس  
تجمع کردند

صفحه ۷

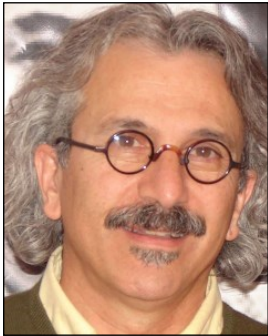
آکسیون اعتراضی به بازداشت مجدد  
محمود صالحی و حمایت از کارگران  
زندانی

صفحه ۹

به حزب کمونیست  
کارگری ایران  
پیوندید

## گذشته چراغ راه آینده نیست!

گفتگو با علی جوادی در حاشیه "روز کوروش" (۱)



برده داری و فئودالیزم است. مقوله ای است که در پس تحولات تاریخی معینی در جوامع اروپایی، در دوران رنسانس و در دوران انقلابات بورژوازی شکل گرفت. بیانیه حقوق بشر مصوبه ای است که مشخصاً محصول دوران سرمایه داری پس از جنگ دوم جهانی است که برای اولین بار حقوقی را که از نقطه نظر بورژوازی انسانها از آن برخوردارند را بر شمرده است. در دوران کوروش برده داری و سیستم ارباب و رعیتی در جوامع آن زمان حاکم بودند. جامعه به برده و رعیت و ارباب تقسیم میشد. برده و رعیت فاقد هر گونه حق و حقوقی در جامعه بودند. سهمی از زندگی و حاصل تلاش خود نداشتند. ارباب، مالک جسم و صاحب محصول کارشان بود.

این ادعای مضحک تنها نشان دهنده جایگاه "حقوق بشر" حتی با تفسیر بورژوازی آن در سیستم نظری جریانات ناسیونالیست ایرانی است. حقوق بشر حتی در تعریف بورژوازی آن یعنی حقوق شهروندی که از قید بردگی و سیستم ارباب رعیتی خلاص شده است. انسانی که ناچار نیست به هیچ فرمانروایی مالیات و خراج بپردازد؛ شهروند است، شهروندی که دارای حق آزادی بیان است، دارای حق نقد و حق ابراز وجود است، صاحب اختیار بدن خود و نیروی کار خویش است، حتی اگر ناچار باشد نیروی کار خود را مانند کالایی در بازار در ازاء مزد به فروش برساند، حداقل برده نیست، حداقل رعیت نیست. حقوق بشر، حتی در روایت بورژوازی آن از حق تشکل و تحزب و تجمع برخوردار است. آیا کتیبه کوروش کوچکترین نشانی از این محورهای عمومی حقوق شهروند در جامعه را دارد؟

بعلاوه مگر میتوان بیانیه ای را "اولین منشور حقوق بشر" دانست که

بهمراه دستگاه مذهبی که به آن مشروعیت می بخشد را به کمک کاهنان مردوک پرست سرنگون کرده بود. یکی از مفاد این تبانی ابقاء روابط اجتماعی و دستگاه مذهبی گذشته بود. بعلاوه کوروش برای تضمین بقاء حکومت و مشروعیت بخشیدن به حکومت خود به چنین اقدامی احتیاج داشت. یک شکل "طبیعی" سرکوب و کنترل سرزمینهایی که با رسم و رسوم متفاوت زندگی میکردند، همین بود که دستگاه مذهبی شان دست نخورده باقی بماند تا به توجیه و مشروعیت بخشیدن به حکومت و فرمانروایی وقت بپردازند و مردم زیر سلطه این فاتحین نیز به حاکمان هم "مالیتهای" گزاف و کمر شکن را بپردازند. اعمال هر نوع سیستم دیگری مستلزم حضور مداوم لشکر نیروی فاتح است که امکان تحرك و کشورگشایی این نیروها را به شدت محدود میکرد. موضوع نتیجه تانها "آزادی مذاهب" و یا حتی احترام به خرافه های مذهبی موجود، بلکه نقش دستگاههای متعدد مذهب در چگونگی حفظ سیستم امپراطوری وقت بود. موضوع بر سر بند و بست کاهنان بابلی با کوروش برای ابقاء دستگاه مذهبشان بود.

در عین حال باید به این نکته "کوچک" نیز اشاره کرد که روی دیگر آزادی دستگاه مذاهب، آزادی از مذهب و آزادی بی مذهبی است! این واقعیت مهمی است که در پس پرده آزادی مذاهب پوشانده میشود. ما برای آزادی مذهب و بی مذهبی و کوتاه کردن دست مذهب از زندگی و شئون جامعه مبارزه میکنیم.

**انترناسیونال:** و بالاخره گفته میشود که این کتیبه اولین "منشور حقوق بشر" است. نظر شما چیست؟  
**علی جوادی:** کدام بشر؟ کدام حقوق؟ شومی میکنند. نباید این شوخی ها را چندان جدی گرفت. اجازه دهید نقد خود به خود "بیانیه حقوق بشر" را در جای دیگری دنبال کنیم. اصولاً "بشر" مفهومی متعلق به دوران سرمایه داری، دوران پسا

برداختم. در اینجا اشاره به سیستم بردگی و برده داری علی العموم نیست. اشاره به اقدام "ناشایست" نبودید پادشاه بابل است. تلاشی برای "وجه" و "مردمی" جلوه دادن لشکر کشی کوروش است. در همین زمینه هر دو بت به وجود برده داری قبل و بعد از حمله کوروش به بابل اشارات روشنی دارد.

**انترناسیونال:** همچنین بر مبنای این کتیبه گفته میشود که کوروش اولین حکومت مبتنی بر آزادی مذاهب را پایه گذاری کرد، نظر شما چیست؟

**علی جوادی:** هر چند تمام واقعیت تاریخی در این زمینه چندان روشن و دقیق نیستند اما نفس لشکر کشی کوروش به بابل و تعریف و تمجید از مردوک، خدای خدایان بابل، و اینکه کوروش به فرمان مردوک برای کنار زدن خدایی که جانشین مردوک شده بود، دست به چنین اقدامی زده است، خود ناقض این ادعای مندرج در کتیبه و یا ایدئولوژیهای مدافع آن است. بعلاوه این کتیبه بیش از هر چیز بیانیه ای برای بزرگداشت مردوخ است و کوروشی که برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود در بابل ناچار است خود را مطیع و فرمانبر مردوخ، و به عبات امروزی تر، سایه خدای بابل معرفی کند.

اما واقعیت دیگر این است که تک خدایی و به اصطلاح "یکتاپرستی" شکل غالب مذهب در جوامع آن دوران نبود. چند خدایی، وجود بت ها و خدایان متعدد بخشی از واقعیت خرافی آن زمان بود. خرافات مذهبی متعددی موجود بودند و آزادی "پرستش این بت ها امری عادی بود. اینکه کوروش اجازه داد مذهبی که توسط نبودید در بابل و سرزمینهای تحت کنترل آن دچار محدودیتهای تاریخی شده بودند، به بت های خود سجده کنند، و آیین و رسوم مذهبی خود را اجرا کنند، نمیتوان به معنای آزادی مذاهب علی العموم تلقی کرد. کوروش سیستم پادشاهی نبودید را

ها را مبنای واقعیت سیاسی آن زمان قرار دهد؟ آیا بیانیه های هیتلر در مورد عملکرد حکومتش دارای هیچ حقانیت تاریخی است؟ این نوشته ها بیان هیچ حقیقت تاریخی ای نیستند و به همین اعتبار هم دارای هیچگونه سندیت تاریخی نیستند. هیچ مورخی با برخورداری از ذره ای پایبندی به حقیقت تاریخی و علمی نمیتواند این اسناد را مبنای حقیقت و یا سندیت تاریخی قرار دهد. چه کسی ادعاهای یک امپراطور جهانگشا در مورد خود را مبنای هیچ حقیقت تاریخی قلمداد میکند؟

این کتیبه نوشته ای است که به فرمان کوروش و توسط کاهنان مردوخ، بت و خدای خدایان بابل، در مدح و تعریف از کوروش نگاشته شده و در معبدی به خاک سپرده شده است. برآستی چقدر کاهنان مجیزگوی پادشاهی که با تبانی و توطئه راه را برای ورود ارتش او به بابل فراهم کرده بودند، میتوانند بیانگر حقیقتی و یا قاضی بیطرف تاریخ باشند؟

**انترناسیونال:** بر مبنای این کتیبه ادعا میشود که کوروش برده داری را ملغی کرده است. حقیقت چیست؟

**علی جوادی:** این یک دروغ بزرگ است. کوروش برده داری را ملغی نکرد، در هیچ کجا ملغی نکرد. نه در بابل و نه در سرزمینهای وسیع تحت کنترل امپراطوری هخامنشیان چنین اقدامی صورت نگرفت. برعکس، واقعیت این است که برده داری یک واقعیت کثیف و زشت تاریخ آن دوران بشری و نه تنها آن دوران بلکه تا حدود دو هزار سال بعد از سلسله هخامنشیان بود.

مورخین قلابی و مزدبگیر و ایدئولوژیهای جریانات مختلف ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی این ادعای خود را بر بخشی از کتیبه کوروش استوار کرده اند که میگوید: "تویند، مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود. کاری که در خور شان آنان نبود... من برده داری را

**انترناسیونال:** قبل از شروع گفتگو اجازه دهید يك مساله را از بالای سر بحث برداریم. رژیم اسلامی در سال گذشته دست به دستگیری برخی از شرکت کنندگان در ۷ آبان در پاسارگاد زد و حکم زندان برای چند تن صادر کرد. امسال نیز با مسدود کردن راههای منتهی به پاسارگاد جلوی حضور افراد در "مقبره کوروش" را گرفت. نظرتان چیست؟

**علی جوادی:** ما هرگونه دستگیری و اذیت و آزار و ممنوعیت تجمع شهروندان جامعه را شدیداً محکوم میکنیم. ما پرچمداران آزادیهای وسیع و بی قید شرط بیان و نقد و تجمع و ابراز وجود تمامی آحاد جامعه هستیم. آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل يك رکن تخطی ناپذیر حقوق و آزادی های فردی و مدنی در جامعه است. البته دفاع از حق آزادی بیان و عقیده مترادف دفاع از هر نوع بیان و عقیده ای نیست. آزادی نقد تمامی جوانب فرهنگی، مذهبی، ملی و مقدسات خود نیز يك رکن آزادی بیان است.

**انترناسیونال:** از کتیبه کوروش یا آنچه که برخی میگویند، "منشور کوروش" آغاز کنیم. این نوشته چه ارزش و سندیت تاریخی ای دارد؟

**علی جوادی:** هیچ! این کتیبه را باید بمانند يك بیانیه سیاسی دستگاه سرکوبگر حاکم نگاه کرد. آیا توثیق های ترامپ چه امروز و چه ۲۵۰۰ سال دیگر، البته اگر سرمایه داری جامعه بشری را قبل از آنکه به زیر کشیده شود، نابود نکرده باشد، دارای هیچگونه ارزشی هست؟ آیا بیانیه های خمینی در زیر درخت سبب در نوفل شاتو هیچ حقیقت تاریخی را بیان میکنند؟ آیا "آیات" محمد بیان حقیقت رابطه او و خدای نا موجودش است؟ آیا گفته های چنگیز خان پیرامون عملکردش دارای هیچگونه ارزش تاریخی است و کسی میتواند این گفته ها و نوشته

## دو هزار کارگر عسلیویه دست به اعتصاب زدند

یکساله بود مدتی است سه ماهه شده و از خرداد امسال قرارداد کارگران را تمدید نکرده اند و کارگران نگرانند که بدون قرارداد بیکار شوند و یک سال حقوق آنها نیز کاملاً بالا کشیده شود. با اعتراض کارگران، مدیر عامل کارخانه، پورقاضی، وعده داده است که تا ۲۵ آبان حقوق معوقه را پرداخت کند و قراردادهای سه ماهه را به قراردادهای یکساله تبدیل کند.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات حق طلبانه کارگران علیه مفتخوران حاکم قاطعانه حمایت میکند و آنها را فرامیخواند مجامع عمومی خود را تشکیل دهند تا با بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری جمعی اتحاد هرچه بیشتری در صفوف خود ایجاد کنند. در فضایی که اعتراضات در سراسر کشور گسترش یافته است، و جمهوری اسلامی نگران اوج گیری اعتصابات کارگری و اعتراضات شهری است، هر اعتصابی در هر مرکز کارگری چنانچه به خوبی سازماندهی و هدایت شود و مدام خبرسانی شود میتواند کارفرمایان و ارگانهای حکومتی را عقب براند. حزب کارگران را به تماس فشرده تر با حزب کمونیست کارگری فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ آبان ۱۳۹۶، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۷

بنا به خبر دریافتی ما امروز ۸ آبان ۲۰۰۰ کارگر فاز ۱۳ عسلیویه در اعتراض به تعویق پرداخت ۵ ماه دستمزد دست به اعتصاب زدند. رفت و آمد در کل قطع شده و حراستی ها در اصل رفت و آمدها را بسته اند. کارگران در خوابگاه مانده و سرکار نمی روند. اعتصاب کارگران در فازهای مختلف عسلیویه به امری دائمی تبدیل شده و کارگران مدام دست به اعتصاب و تجمع میزنند تا گوشه ای حقوق ناچیز خود را از حلقوم کارفرمایانی که با وابسته به ارگان های حکومت و یا تحت حمایت همه جانبه اداره کار هستند بیرون بکشند.

طبق گزارش دیگری که از کارگران کیش چوب به ما رسیده است، کارگران این کارخانه که تعداد آنها به ۲۰۰ تا ۲۲۰ نفر میرسد، در اعتراض به نپرداختن تا ۸ آبان ۱۲ ماه دستمزد و بلاتکلیفی شغلی در روزهای سوم و چهارم آبان دست به اعتصاب زده و در مقابل دفتر شتغال در کیش تجمع کردند. کارگران التیماتوم دادند چنانچه حقوق هایشان تا ۲۵ آبان پرداخت نشود دست به اعتراض مجدد خواهند زد. همزمان با اعتصاب و تجمع، کارگران شکایت نامه ای تنظیم کرده و دسته جمعی آنرا امضا کردند و به اداره کار تحویل دادند. قراردادهای کاری نیز که قبلاً

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ آبان ۱۳۹۶، ۳۱ اکتبر ۲۰۱۷

مورخین و نکاتی که اشاره کردید همچنان مطرح است؟ تاریخ این منشور چیست؟

**علی جوادی:** واقیت این است که این گل نوشته تا کنون چند بار "زنده" شده و چند بار برای توجیه اقدامات نیروهای سیاسی وقت "علم" شده است. یک "زندگی" این منشور هم به دوران پس از جنگ جهانی اول و سقوط امپراطوری عثمانی و تلاش برای شکل دادن به کشوری در خاورمیانه برای "یهودیان" بر میگردد. به این اعتبار کتیبه کورش بار دیگر "زنده" شد. در دورانی که کشورهای امپریالیستی پیروز در جنگ جهانی اول مناطق پیرامون اروشلیم را برای برپا کردن کشور اسرائیل تعیین میکنند. اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۸ تلاشی در این زمینه است. از این رو لوح کورش علم شد. چرا که در این کتیبه اشاره به بازگرداندن یهودیانی دارد که در دوران پادشاه بابل به اسارت گرفته شده بودند و به بابل منتقل شده بودند. این گفته های کتیبه مبنایی برای "حقانیت تاریخی" بخشیدن به ایجاد یک کشور در قرن بیستم در سرزمینهایی که عمدتاً ساکنین اش فلسطینی بودند، با خون و آتش شد.

(ادامه دارد)

طی مراسمی که از برخی حقوقدانان دعوت صورت گرفته بود برای اولین بار از این کتیبه به عنوان "منشور آزادی"، و "نخستین منشور جهانی حقوق بشر" نام برد. اشرف پهلوی یک عنصر مهم در کودتای ۱۳۳۲ و "منشور آزادی"؟! در همان زمان محمدرضا شاه نیز سکه های طلایی را زد که در آن لوح کورش و تصویر شخص این جناب حک شده بود. تمام این جعلیات و تلاشها اقدامی بمنظور حقانیت تاریخی بخشیدن به سلطنت دوران پهلوی و ناسیونالیسمی که بنیان فکری این سلطنت را میساخت، بود. البته در همان دوران که اشرف و شاه از "منشور آزادی" و "نخستین منشور جهانی حقوق بشر" نام میبردند، ساواک و دستگاه پلیسی - امنیتی حکومت پهلوی با هر درجه از آزادی و ابراز وجود سیاسی با شدید ترین شکل برخورد میکرد و شکنجه گاههای رژیم سخت مشغول کار بودند.

بعلاوه مورخین بسیاری منتقد جدی این جعل تاریخی و مهر تایید بر آن زدن توسط سازمان ملل هستند و خواهان تصحیح این جعل تاریخی اند.

**انترناسیونال:** پس چرا یک چنین کتیبه ای علیرغم تلاشهای

در مدح خدای مردوخ است، توسط کاهنان بابل به نگارش در آمده و در تعریف و تمجید امپراطوری سرکوبگر بر استوانه ای گلی نوشته شده و در خاک معابد دفن شده است؟ کتیبه کورش را در واقع منشور بت پرستی و توجیه حکام سرکوبگر زمانه است. همین!

**انترناسیونال:** حتی یک نسخه از این منشور در سازمان ملل قرار داده شده است، در باره این برسمیت شناسایی از جانب سازمان ملل چه نظری دارید؟

**علی جوادی:** یک نسخه (بدلی) از این کتیبه که توسط موزه بریتانیا به درخواست محمدرضا شاه ساخته شده بود که در دوران مقدماتی جشنهای دو هزار و پانصد ساله پادشاهی در ایران توسط اشرف پهلوی، در زمره هدایای اهدایی از جانب کشورها به همراه یک ترجمه جعلی از مفاد این کتیبه به اوتانت دپیر کل وقت سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ اهدا شد. در آن زمان اشرف پهلوی رئیس هیات نمایندگی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل بود. اشرف با هدف مشروعیت تاریخی بخشیدن به سلطنت پهلوی در دوران جشنهای دو هزار و پانصد ساله در

## محمود صالحی باید فوراً آزاد شود

مبتلا به بیماری قلبی و فشار خون و دیابت است و هفته ای دو بار عمل دیالیز انجام میدهد را دستگیر و روانه زندان میکند. میتوانیم محمود و سایر فعالین کارگری و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی را آزاد کنیم و به امنیتی کردن اعتراضات پایان دهیم. جمهوری اسلامی در اوج بحران دست و پا میزند باید فشار را بیشتر و بیشتر کنیم.

همراه با نجیبه صالحی و فرزندشان سامرند صالحی و همراه با فعالین کارگری، اجتماعی و معلمان مریوان که در مورد دستگیری محمود صالحی بیانیه ای خطاب به مردم صادر کرده اند، صدای محمود صالحی باشیم که در "دفاع از طبقه کارگر و علیه استثمار انسان از انسان"، قاطعانه و شجاعانه مبارزه کرده است و علیرغم سالها زندان و

کارگری در شهر سقز دستگیر شد. نجیبه صالحی همسر او میگوید: "روز ششم آبان در پایان دیالیز هفتگی محمود، همراه ایشان در حال خروج از بیمارستان بودیم که ناگهان چهار نفر از ماموران نیروی انتظامی ما را محاصره کرده و محمود را با وجود اعتراض و مخالفت ما از بابت وضعیت جسمی با خود به دادگاه بردند. در آنجا ضمن ابلاغ حکم، ایشان را جهت اجرای حکم روانه زندان مرکزی سقز کردند. این دستگیری بدون اخطار در پی حکم دادگاه تجدید نظر صورت می گیرد که حکم ۹ سال زندان تعلیقی ایشان را به یک سال حکم قطعی تبدیل کرده است."

چقدر باید حکومت از فعالین کارگری و جنبش کارگری وحشت زده باشد که یک فعال کارگری را که

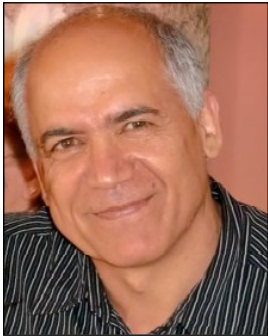
اعتراضات کارگری و توده ای در حال گسترش است و روز بروز تعرضی تر و سیاسی تر میشود و گلوی رژیم را هر روز بیشتر میفشارد. این اعتراضات و مبارزات عکس العمل متحدانه کارگران به تعرضات و تحمیلات هرروزه حکومت مفتخوران اسلامی و کارفرمایان حریصی است که مدام مشغول دزدی از سفره فقیرانه کارگران هستند. جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به ساده ترین نیازهای مردم و غرق در بحران و فساد و بی اقبی، فشار علیه فعالین کارگری را گسترش داده است تا همچنان فشار را روی آنها نگهدارد و مانع اظهار وجود بیشتر آنان شود. در ادامه اذیت و آزار فعالین کارگری، روز ششم آبان ماه محمود صالحی از رهبران سرشناس جنبش

Yahsat  
کانال جدید  
KANALJADID

فرکانس ۱۲۵۹۴	پلاریزاسیون عمودی
سیمبل ریت ۲۷۰۰	اف ای سی ۲/۳

## کارگران و تشکیلاتی حزبی

گفتگو با اصغر کریمی



یک گفت‌وگو وسیع حول ضرورت تحزب، محلی از اعراب نخواهد داشت.

**انترناسیونال:** در پلنوم همچنین قراری در مورد تشکیلاتی حزبی کارگران به تصویب رسید که در آن بر مبارزه با حزب گریزی و نقد گرایشاتی که فعالیت غیرحزبی و "مستقل" را فضیلت می‌دانند، تاکید شد. تصویب این قرار چه وظایفی را در دستور حزب و فعالین آن قرار می‌دهد؟

**اصغر کریمی:** قبل از هر چیز حزب تلاش میکند گفتمان وسیعی حول ضرورت تحزب به راه بیندازد، نرم‌ها و ذهنیات موجود را تضعیف کند و در این زمینه نیز سنت نوینی را در جنبش کارگری و در میان فعالین رادیکال جنبش‌های دیگر جا بیندازد. این یک نیاز مبرم جنبش کارگری است. این یک نیاز مبرم مبارزه طبقاتی است. یک نیاز مبرم کل جامعه‌ای است که تمام قد دارد علیه نه تنها حکومت بلکه علیه کل عقب‌ماندگی، مذهب، خرافه، استبداد، فساد و فقر و تبعیض و محرومیت و بیحقوقی بلند میشود. در پاسخ به سوال اول توضیح دادم که فضای اعتراضی و چپ در جنبش‌های کارگری و اعتراضی و موقعیت حزب بیش از هر زمان زمینه مساعدی برای پیشروی در این عرصه فراهم کرده است و ما با تمام قوا تلاش میکنیم بویژه بخش پیشرو جامعه و طیف رهبری اعتراضات را که همبسته تر و سیاسی تر و امیدوارتر از همیشه پا به میدان مبارزه گذاشته است، متوجه این حقیقت اساسی کنیم که برای عرض اندام در سطح جامعه، در سطح ماکرو و سیاسی به حزب سیاسی خود، به حزبی که خواست‌ها و اهداف و آمال آنان را نمایندگی کند نیاز حیاتی دارند. باید این نکته مهم

جنبش کارگری و مبارزات توده‌ای کار حزب کمونیست کارگری را برای جدال با سنت‌های عقب‌مانده و شکل‌دادن به سنت‌های نوین و پیشرو در ایران ساده کرد. بدون گسترش این مبارزات و بدون توازن قوای جدیدی که به یمن این مبارزات ایجاد شده است همین درجه از سنت‌های نوین تا امروز عملی نمیشد.

امروز فعالین جنبش کارگری و سایر جنبش‌های اعتراضی تردیدی در اینکه باید حکومت را سرنگون کرد و قدرت سیاسی را گرفت ندارند. تردیدی ندارند که این جنبش‌ها به چهره‌های علنی در ابعادی هرچه بیشتر نیاز دارند و این را یک شاخص مهم موفقیت این جنبش‌ها میدانند. پرچم مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کل جامعه را بدست گرفته‌اند و این عرصه را متعلق به شخصیت‌ها و احزاب طبقه حاکم نمایندند. تلاش میکنند در مقیاس جامعه عرض اندام کنند. این یک پیشروی مهم و تاریخی در مبارزه طبقاتی در ایران است. اما اینها مقدمه‌ای بر یک پیشروی تعیین‌کننده در عرصه تحزب هست. طبقه کارگر و مردم معترض و آزادخواه بدون داشتن یک حزب سیاسی که آنها را در مبارزه برای کسب قدرت سیاسی نمایندگی کند راه به جایی نمیبندند. اینجا و آنجا خواست‌هایی را به سرمایه‌داری و حکومت تحمیل میکنند اما در غیاب مبارزه برای کسب قدرت سیاسی حتی این دستاوردهای جزئی نیز ناپایدار است.

بنظر من علت اصلی شکل نگرفتن یک جنبش وسیع اجتماعی در عرصه تحزب فقدان یک سنت است که دلیل اصلی اش را توضیح دادم. بر متن این فضا است که عده‌ای حزب گریزی را تقدیس میکنند، به احزاب موجود بد و بیراه میگویند، جا را برای خود تنگ میکنند، و عملاً نقشی ارتجاعی ایفا میکنند. اما این یک گرایش وسیع نیست. در حاشیه است و بشدت غیر مسئول و با شکل‌گیری

طرف حزب چرخانده است و به نوبه خود به حزب زمینه داده است که گفت‌وگو تحزب را بار دیگر روشن‌تر و اجتماعی‌تر از همیشه به جامعه ببرد.

**انترناسیونال:** ریشه‌های حزب گریزی در ایران چیست؟ آیا مانع اصلی تحزب سیاست سرکوب رژیم و امنیتی کردن اعتراضات نیست؟

**اصغر کریمی:** به یک معنی فقدان آزادی سیاسی و سرکوب عامل مهمی در ضعف سنت تحزب در ایران است. تاریخاً در صد سال گذشته که مساله تحزب اساساً در ایران مطرح شده، بجز دهه بیست که بندهای حکومت شل شد، چنان جامعه تحت سرکوب و اختناق بوده که جلو هر نوع آزادی سیاسی و تشکل و بویژه جلو تشکل حزبی را گرفته است. در مورد تشکل‌های غیر حزبی هم این نکته تماماً صادق است. به این معنی اگر تاریخاً به مساله نگاه کنیم، سرکوب مانع اصلی تحزب و سازمانیابی بوده است. و این اثرات عمیقی در ذهنیت و سنت سیاسی فعالین باقی گذاشته است. به یک نرم تبدیل شده است. همینطور که اسم گذاشتن پای یک مقاله به یک نرم و سنت در چپ تبدیل شده بود. شخصیت علنی داشتن و فعالیت علنی حتی جایی مثل خارج که از سرکوب و خفقان خبری نبود تحت فشار این نرم‌ها و این ذهنیات صورت‌نمیگرفت. چپ باید مخفی میبود. ناشناس باقی می‌ماند و در حاشیه جامعه و در محافل کوچک و بی‌نام و نشان و بی‌تاثیر عرض اندام میکرد. اما بخش زیادی از این نرم‌ها در دو دهه اخیر در هم شکسته است و من میخواهم به جرات بگویم که کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری آنرا در هم شکست و امروز سنت سیاسی دیگری، در مقیاس اجتماعی در فضای جامعه ایران قد علم کرده است. اما این پیشروی هنوز به عرصه تحزب پا نگذاشته است. و البته باید تاکید کرد که گسترش

فضای چپ تری نسبت به گذشته در اعتراضات شکل گرفته است. در میان نسل جوان نیز روی آوری به کمونیسم بیشتر شده است. و این روندی عمیق و پایدار و در عین حال کاملاً طبیعی است. زمانی که اعتراضات وسعت میگیرد فضای چپ هم در صورتی که یک گرایش چپ یا حزب بانفوذ و دخالتگر کمونیستی وجود داشته باشد، رشد میکند و در نتیجه توجه به حزب و مساله تحزب هم بیشتر میشود. این اتفاق در یکی دو سال گذشته بطور مشهودی در ایران در حال شکل‌گیری بوده و حزب ما یکی از سازندگان این فضای بوده است. نکته دوم مساله سرنگونی جمهوری اسلامی است که فقط جمع‌گیری جنبش‌ها نیست. جامعه به موازات رشد جنبش‌های اعتراضی و همبستگی بیشتر میان مردم، بسیار سیاسی‌تر شده و خیلی عمیق و اساسی سرنگونی را در دستور خود قرار داده است. مردم فضای سرکوب ۸۸ کاملاً پشت سر گذاشته و با اعتماد بنفس و دست‌پرتی به میدان آمده‌اند و اینبار آگاهتر، پخته‌تر، مجرب‌تر و بلرجاتی متشکل‌تر. در چنین فضایی اهمیت تحزب و نیاز به حزبی که مردم را در بعلى سیاسی و سراسری و فراجنبشی نمایندگی کند، در جامعه و در میان فعالین عیان‌تر و مبرم‌تر میشود.

به موازات این دو عامل، عامل مهم دیگری را هم باید اضافه کرد که موجب محوری شدن این مساله در پلنوم کمیته مرکزی شد و آن موقعیت حزب ما در جامعه و در میان فعالین است. اهداف و برنامه حزب، سیاست‌ها و جهتگیری‌های حزب، فعالیت‌های وسیع میدانی و تبلیغی حزب و ثبات سیاسی و رفتار مسئولانه حزب است که علی‌رغم دشمنی زیادی که ملی‌اسلامی‌ها و ناسیونالیست‌ها و حتی بخشی از چپ فرقه‌ای و به اصطلاح ضد امپریالیست از ما دارند و کوهی شانتاز هر روزه علیه ما راه می‌اندازند، بیش از پیش سرها را به

اهمیت تحزب و تشکیلاتی حزبی کارگران تم اصلی پلنوم ۴۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری بود که روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷ (۲۹ و ۳۰ مهرماه ۱۳۹۶) برگزار شد. نکته محوری سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی و بخشی از مباحث پلنوم در مورد اهمیت تحزب و تشکیلاتی حزبی کارگران در شرایط حاضر بود. در گزارش اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب نیز به گسترش نفوذ حزب در جامعه و در میان فعالین کارگری و فعالین اعتراضات اجتماعی و زمینه‌های مساعد برای گسترش آن تاکید شد. در این زمینه پرسش‌هایی را با اصغر کریمی در میان می‌گذاریم.

**انترناسیونال:** چرا موضوع تحزب کارگران در این مقطع چنین اهمیتی پیدا کرده است؟ چه شرایطی تغییر کرده است و چه عواملی باعث شده است که اکنون حزب بر این مساله تاکید بگذارد؟ حزب پیوسته کارگران را به عضویت در صفوف خود فرا خوانده است. آیا این موضوع ادامه همان فراخوان تا کنونی حزب است؟

**اصغر کریمی:** برای ما مساله تحزب کارگران همیشه از اهمیت ویژه برخوردار بوده است. کارگران بدون یک حزب سیاسی که اهداف طبقاتی آنها را در مقابل طبقات و جنبش‌های طبقاتی دیگر نمایندگی کند به پیروزی نمیرسند و ساختن جامعه سوسیالیستی بدون حزب سیاسی طبقه کارگر عملی نیست. به این معنی این مساله از لحظه تشکیل حزب تا کنون همیشه در محور توجه ما بوده است. دلایل تاکید ویژه نشست کمیته مرکزی به این مساله، ناشی از تغییراتی است که در جنبش‌های طبقه‌طلبانه و مشخصاً در جنبش کارگری، در رشد فضای سرنگونی و همینطور در موقعیت حزب وجود آمده است که به این سه عامل اشاره میکنم. اول اینکه اعتراضات وسیعاً گسترش یافته، تعرضی‌تر و سیاسی‌تر شده و

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۰۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number: 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code: BOFAUS3N

## شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
branch: Wood Green, Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779  
BIC: NWBK GB 2L

سوآلی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

جلو می‌رود. مردم باید شاهد حضور حزب در عرصه ها و زمینه های مختلف باشند و نقش آنرا در زندگی سیاسی خود ببینند تا به گفتمان آن درمورد حزب نیز بیشتر توجه کنند.

در کنار فعالیت ماکرو سیاسی تبلیغی و کمپینی حزب فعالین حزب در داخل ایران نقش مهمی بعهده دارند. هیچ چیز جای دیالوگ حضوری با فعالین، بحث و گفتگوی صمیمانه و صبورانه با آنها، دوستی و رفاقت با آنها و جلب اعتماد آنها را نمی‌گیرد و این اساسا کار فعالین حزب در داخل است.

کمپین مبارزاتی جای حزب را که امر خود را کسب قدرت سیاسی قرار داده تا با اهرم قدرت وضعیت اقتصادی و سیاسی را عوض کند، نمی‌گیرد.

روشن است که هر چه حضور حزب در فضای سیاسی جامعه و در جنبش های اعتراضی بیشتر باشد، هرچه مردم را در سطح سراسری و همینطور در سطح بین المللی بهتر نمایندگی کند، هرچه با چابکی بیشتر نسبت به مسائل عکس العمل نشان بدهد و هرچه موثرتر اهداف و ماهیت ضد مردمی جنبش های ارتجاعی دیگر افشا کند، گفتمان حزب نیز قدرتمندتر

## جمهوری اسلامی مسئول قتل

### کارگران پالایشگاه و دکل نفتی است

یا مجروح شدن آنها نیز با غرامتی پرداخت نمیکنند و یا با پرداخت کمترین وجهی گریبان خود را راحت میکنند و قانون کار و ارگانهای حکومت کارفرماها را مورد پشتیبانی قرار میدهند. اما نقش جمهوری اسلامی بسیار جدی تر از اینها است. کارفرما کارگر معترض را به راحتی اخراج میکند و قوانین و ارگانهای جمهوری اسلامی کارفرما را مورد حمایت قرار میدهند. جمهوری اسلامی عملا و قانونا متشکل شدن کارگران را ممنوع کرده است در حالیکه کارگران متشکل قادرند کارفرماها را وادار به افزایش ایمنی و بهداشت محیط کار نمایند. کارفرماها و مقامات حکومت در تبلیغاتشان، عدم رعایت ایمنی توسط کارگران را عامل اصلی حوادث محیط کار معرفی میکنند اما حتی اگر اینطور باشد نیز جمهوری اسلامی مسئول آن است چرا که آموزش ایمنی کارگران در این نظام جایگاهی ندارد. واقعیت این است که این نظام چنان عقب مانده و ضد کارگری است و چنان در فساد غرق است که برای پایان دادن به کشتار کارگران در محیط کار نیز باید آنرا سرنگون کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ آبان ۱۳۹۷، ۲ نوامبر ۲۰۱۷

جدی میبینند. و این وضعیت هر روز و هر سال وخیم تر میشود. مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران اخیرا گفته است که مرگ ناشی از حوادث محیط کار در شش ماه اول امسال ۲۱۵ نفر میباشد که نسبت به سال قبل ۳۰ درصد افزایش یافته است.

این تلفات انسانی جنایات مستقیم حکومت اسلامی و کارفرمایان مفتخور در حق کارگران است. یک سرمایه داری هار و حریص و مفتخور بر جامعه حاکم شده و میزد و چپاول میکند و زندگی کارگران و کارکنان را در معرض همه گونه خطراتی قرار میدهد. حکومت اسلامی نیز با سپاه پاسدار و بنیادها و نهادهای چپاولگر متعددهش در راس همین قماش سرمایه داران مفتخور است و ارگانهای سرکوش همه جا حافظ منافع همین سرمایه داران است و حقوق پایه ای کارگران را تا میتواند پایمال میکند. این شرایط است که باعث میشود محیط های کار به قتلگاه کارگران و کارکنان شریف تبدیل شوند.

کارفرمایان، که بخش قابل توجهی از آنها نیز ارگانهای مختلف حکومت میباشد، برای تامین سود بیشتر کمترین هزینه را صرف ایمنی محیط کار و آموزش ایمنی کارگران میکنند و در صورت قتل کارگران و

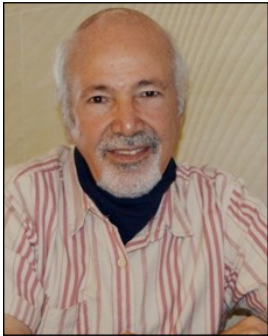
روز ۵ آبان ماه در يك آتش سوزی و انفجار در پالایشگاه نفت تهران ۷ نفر از کارگران متخصص و مهندسین این کارخانه به اسامی سجاد دارابی، پوریا دارابی، محسن دارابی، افشار میرزایی، کاظم امیری، نعمت کوچایی و جواد نوروزی جان خود را از دست دادند و تعدادی از کارگران نیز مجروح شدند. روز هفتم آبان ماه نیز انفجار در دکل حفاری نفتی رگ سفید در نزدیکی بندر ديلم در استان بوشهر نیز به کشته و زخمی شدن حداقل ۵ نفر از کارگران منجر شده است. شرکت نفت و خبرگزاری های جمهوری اسلامی اسامی قربانیان این حادثه را منتشر نکرده اند.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه به خانواده های جانسباختگان آتش سوزی در پالایشگاه تهران و نفتی رگ سفید و به همکاران آنها تسلیت میگوید و برای مجروحان این حوادث آرزوی بهبودی میکند.

در سال گذشته چندین مورد آتش سوزی دیگر نیز در مراکز نفتی ایران و صدها مورد در سایر مراکز کارگری صورت گرفته است. بسیاری از آمار حوادث محیط کار گزارش نمیشود و بعلاوه سالانه چندین برابر بیشتر از این، کارگران در اثر عدم بهداشت محیط کار آسیب های

## کناره گیری بارزانی و تحولات کردستان عراق

کاظم نیکخواه



نمود.  
**دفاع از رفراندوم عمومی و استقلال**

برخی از جریان‌ها با استناد به همین واقعیت روشن که بارزانی اهداف و مصالح قدرت طلبانه و ارتجاعی خاص خود را از طرح رفراندوم دنبال می‌کند و رفراندوم تنها مورد تایید دولت اسرائیل است، با رفراندوم عمومی کلا مخالفت کردند. با یک ژست رادیکال و چپ استدلال کردند که رفراندوم و استقلال ناسیونالیست‌ها را تقویت می‌کند و بنابراین ارتجاعی است و باید با آن مخالفت کرد. این جریان‌ها در عین حال بروی خود نمی‌آوردند و نمی‌آوردند که در آن طرف معادله یعنی در جبهه مخالفین رفراندوم نیز نیروهای بغایت سرکوبگر و ارتجاعی و ضد انسانی تری نظیر جمهوری اسلامی و حشد الشعبی و دولت اردوغان و دولت عشیرتی - اسلامی عراق و آمریکا قرار دارند. معلوم نیست چرا مانند مردم در زیر سیطره این نیروها یک موضع پیشرو است اما استقلال با رای مردم ناسیونالیستی یا نادرست است. با همین منطق می‌شود مخالفت با رفراندوم را نیز با همراهی با این دولت‌ها و نیروهای کثیف و ارتجاعی معنی کرد. اما این منطق سیاسی ما نیست.

ما هرجا که مساله ملی وجود داشته باشد از رفراندوم عمومی یعنی اعلام نظر آزادانه عموم مردم و عملی شدن تصمیم مردم دفاع می‌کنیم. کلا هر نیروی چپ و کمونیستی باید رای اکثریت مردم را در هر شرایطی به تصمیم یک اقلیت مفتخور حاکم ترجیح دهد. بنابراین رفراندوم در هرجا که بطور واقعی بصورت دموکراتیک و در فضایی آزاد انجام شود نسبت به حاشیه ای بودن و عدم دخالت مردم و خود مختاری یک اقلیت مفتخور ارجحیت دارد بعلاوه در مورد کردستان عراق ما از سالها قبل بر سیاست استقلال کردستان از عراق

"نماینده مردم تحت ستم" و قهرمان استقلال در برابر دولت عبادی و دستجات اسلامی و قومی عراق را بخود بگیرد. و بعد بعنوان "نماینده مردم کردستان" و با وثیقه رای مردم برای استقلال با دست بازتری دست به معامله و ساخت و پاخت بزند. دلایل دیگری هم حتما پشت این چرخش به سمت استقلال از سوی بارزانی وجود داشت و سیاست منطقه ای برخی دولت‌ها از جمله آمریکا در این رابطه را نباید نادیده گرفت. اما آنچه در رابطه با انگیزه باند بارزانی مطرح شد میتوان گفت فوری ترین انگیزه او و حزبش برای وارد شدن به قمار رفراندوم بود.

بطور واقعی نیز با اعلام رفراندوم عمومی برای استقلال توسط مسعود بارزانی، خیلی زود بحثهای سیاسی و فضای کردستان عراق عوض شد. بسرعت تمام بحثها به سمت رفراندوم چرخید. نام بارزانی به عنوان مبتکر استقلال در راس اخبار بین المللی قرار گرفت. مبارزات و اعتراضات توده ای علیه حکومت اقلیم و خانواده بارزانی حاشیه ای شد و به محاق رفت. احزاب و جریان‌های که با رفراندوم و استقلال به هر دلیلی مخالف بودند یا حتی در مورد آن تردید داشتند در حد زیادی حاشیه ای شدند. مردم نیز همانگونه که انتظار میرفت علیرغم نفرت از باند حاکم و خانواده بارزانی، از رفراندوم استقبال کردند و نتیجه اعلام شده نشان داد که اکثریت عظیمی به استقلال رای دادند. رقبای بارزانی نظیر "اتحادیه میهنی" و خانواده طالبانی و "حزب گوران" و امثال آنها قافیه را باختند و به دنباله روان سیاست بارزانی تبدیل شدند. همه چیز حکایت از یک بازی عالی "برد- برد" برای مسعود بارزانی و حزب دموکرات کردستان عراق داشت. اما این فضای برد برای بارزانی بیش از چند روز دوام نیاورد و نه فقط فرصت معاملات و بازیهای بعدی را به او نداد بلکه مقاومت چند ساله او برای ماندن بر سر قدرت را در هم شکست و او را ناچار به کناره گیری رسمی

مسعود بارزانی روز یکشنبه گذشته در نامه ای به پارلمان حریم کردستان عراق اعلام کرد که از اول نوامبر امسال که مدت تمديد ریاستش به پایان میرسد، از ریاست اقلیم کنار میکشد و اختیارات خود را واگذار میکند. استعفا یا انصراف مسعود بارزانی از سمت ریاست اقلیم کردستان عراق در واقع اعلام شکست مهلك بارزانی و حزب دموکرات کردستان عراق در پیشبرد پروژه ای است که با اعلام رفراندوم عمومی برای استقلال قرار بود انجام شود. و آن تلاش برای تغییر صورت مساله سیاسی در کردستان عراق بود.

در یکی دو سال اخیر کردستان عراق صحنه اعتراضات گسترده مردم یعنی معلمان و کارمندان و کارگران و جوانان علیه دولت اقلیم و خانواده بارزانی بود. فضای سیاسی بسرعت علیه نیروی حاکم در اقلیم کردستان یعنی حزب دموکرات و بارزانی چرخیده بود. احزاب رقیب بارزانی بسرعت در حال رشد و قوی شدن بودند. بارزانی که دو سال قبل دوره ریاستش به پایان رسیده بود با جنجال و تعرض به نیروهای مخالف خود با قلری بر سر پستش باقی ماند و تمديد دوسال ریاستش را تحمیل کرد. برای خانواده بارزانی این فضای متعرض و رزمنده سیاسی قابل دوام نبود و روشن بود که ادامه این اوضاع کنار زده شدن از قدرت و رسوایی و شکست خواهد بود. اعلام رفراندوم همین صورت مساله سیاسی را قرار بود تغییر دهد و این بحران را به نفع بارزانی تمام کند. برای بارزانی این یک بازی مرگ و زندگی بود و به همین دلیل به فشارها و توصیه ها از جانب دولت‌های متبوع خود نیز تمکین نکرد و پشت پرده هرچه به آنها گفت، علنا موضوعی سازش ناپذیر گرفت. بارزانی تلاش کرد با رفراندوم وجهه مردمی خود را باز یابد و چهره خود و خانواده و حزمش را در اذهان عمومی از یک باند دزد و ستمگر و زورگو و تشنه قدرت تغییر دهد و ژست

تاکید کردیم. درست بیست و دوسال پیش یعنی در سال ۱۹۹۵ اما اعلام کردیم که در عراق به دلایل تاریخی یعنی به طور خلاصه به دلیل سابقه دردناک مساله کرد و نفرت پراکنی قومی و ملی و جنایاتی که صورت گرفته و کلا به دلیل ویژگیهایی که این مساله به خود گرفته از خواست استقلال کردستان از عراق دفاع می‌کنیم که باید از طریق رفراندوم عمومی به رای مردم ساکن این منطقه گذاشته شود. ما تاکید کرده ایم که علیه ایجاد "دولت کردی" در کردستان عراق که هدف ناسیونالیست‌هاست می‌باشیم و چنین تبلیغاتی را افشا کرده و تاکید کرده ایم که از دولتی غیر قومی و غیر مذهبی و آزاد و با حقوق شهرونی برابر برای همه شهروندان دفاع می‌کنیم (خواندن نوشته ای از منصور حکمت تحت عنوان "در دفاع از خواست استقلال کردستان عراق" را توصیه می‌کنم)

روشن است که با سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ توسط دولت آمریکا صورت مساله سیاسی در عراق عوض شد. یک دولت قومی - اسلامی و عشیره ای سرکار آمد که جمهوری اسلامی نفوذ زیادی بر آن دارد و دولت‌های ارتجاعی دیگر نیز در سیاست گزاری آن نفوذ و نقش دارند. در کردستان عراق نیز دولت نیمه رسمی ای بنام "حکومت اقلیم" که جریان‌ها ناسیونالیست کردی در راس آن هستند زمام امور را در دست گرفت. سوال اینست که در این شرایط تازه آیا بازهم باید از رفراندوم کردستان عراق و بویژه استقلال کردستان دفاع کرد؟ از نظر ما پاسخ به این سوال نیز قطعا مثبت است و مدتها قبل از اینکه رفراندوم از جانب بارزانی اعلام شود ما از رفراندوم و استقلال کردستان عراق دفاع کردیم. مردم کردستان عراق با وضعیتی مواجهند که یک "دولت شتر مرغی" بر سر کار است که هم دولت است و هم دولت نیست. این دولت دارد می‌چاپد و دزدی میکند و سرکوب می‌کند و وقتی با

اعتراضات و خواسته‌های کارگران و معلمان و مردم مواجه می‌شود، "دولت بغداد" را مسئول اصلی اوضاع معرفی می‌کند. روشن است که این وضعیت بی ثبات و نا روشن باید تعیین تکلیف شود. تعیین تکلیف آن نیز نمیتواند به سمت رفتن مردم به زیر سیطره دولت موزائیکی عشیرتی - اسلامی عراق باشد. مردم کردستان عراق با سابقه دهها سال ستم و جنایت و سرکوب دیکتاتوری صدام حسین روشن است که بدون ایجاد یک شرایط اساسا مستفاد و ایجاد شرایط و تضمینهای اساسی، تمایلی به ماندن در محدوده حاکمیت عراق را ندارند. اگر دولتی مردمی و آزاد که بدون هیچ تردید و قید و شرط و ابهامی حقوق شهروندی همه مردم را بدون تبعیضات مذهبی و قومی برسمیت بشناسد و تضمین کند سرکار بود، روشن است که مساله فرق می‌کند. اما در عراق در واقع دستجات مسلح و دولت‌های ارتجاعی متعددی مثل جمهوری اسلامی و آمریکا و ترکیه و عربستان دارند از طریق نیروهای مزدور و مسلح و غیر مسلح و سیاستهای ضد مردمی و جنایتکارانه تمام عیار اعمال نفوذ می‌کنند. برخی از این دستجات مثل "حشد الشعبی" و مقتدا صدر و امثالهم با سنتها و سیاستها و دشمنی عمیق شان نسبت به مردم و نیروهای پیشرو کردستان عراق هیچ دست کمی از داعش و القاعده ندارند. بنابراین مردم حق دارند که بخواهند خود را از این دستجات مرتجع و تروریست جدا کنند.

بعلاوه نکته مهمتر خود باند حاکم در کردستان عراق یعنی خانواده بارزانی و حزب دموکرات است. در هر حرکتی به سمت استقلال روشن است که در کوتاه مدت ناسیونالیست‌های حاکم برنده خواهند بود. اما با شفاف تر شدن

مبارزه طبقاتی این کارگران و مردمند که در برابر حاکمین دست بالائی پیدا میکنند و موضع قوی تری پیدا میکنند. استقلال در هیچ کجا بخودی خود همه مسائل را حل نمیکند و این را باید شفاف به مردم گفت. اما استقلال مشغله کهنه و تاریخی ای بنام ستم ملی و مساله ملی را از جامعه پاک میکند و پرده ساتر و "مقدس" ملت و کشور مستقل را کنار میزند و مردم را با خواستههای زمینی و مادی و ملموس شان رو در روی حاکمین قرار میدهد. مردم کردستان عراق نیز اگر به استقلال دست یابند در اولین قدم بهانه "دولت مرکزی مقرر است" را از بارزانی میگیرند و آنها را مستقیماً زیر فشار اعتراضات و خواستههای رفاهی و انسانی و بحق خود قرار میدهند. این بطور خلاصه بخشی از مزایای عظیم استقلال نسبت به ماندن در چارچوب عراق و دلیل ما برای دفاع از فرماندوم عمومی در کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر امسال بود.

ما در عین حال با شفافیت تاکید کرده ایم که برای ما استقلال هیچ تفکلی ندارد. ما تاکید کرده ایم که ایجاد دولت مستقل برخلاف توهم پراکنی های جریانات بورژوا - ناسیونالیست در هیچ شرایطی پایان مصائب مردم نیست، بلکه آغاز شفاف تر شدن مبارزه طبقاتی برای رها شدن از شر حاکمین سرمایه دار و مفتخور و زورگو و قبل از همه باندهای حاکم در کردستان است.

### چه اتفاقی افتاد؟

همانگونه که انتظار میرفت و گزارشهای بسیاری آنرا تایید کردند مردم وسیعاً در فرماندوم شرکت کردند. فرماندوم در ۲۵ سپتامبر با شرکت اکثریت مردم و رای بسیار بالا به استقلال انجام شد. اما نتیجه آن دستیابی به استقلال نبود. تهدیدات بلافاصله از جانب دولت عبادی و دستجات وابسته به جمهوری اسلامی و دولت اردوغان و مرتجعین دیگر شروع شد. حدود یک هفته بعد از فرماندوم و رای اکثریت وسیع مردم به استقلال ارتش عراق و نیروهای حشد الشعبی که شاخه نیروی قدس جمهوری اسلامی است بدون جنگی وسیع و با درگیری اندکی وارد کرکوک شدند و این شهر

را که در دست نیروهای پیشمرگ بود اشغال کردند. بعضی گزارشها که واقعی بنظر میرسد گویای اینست که مقامات دولت آمریکا نیز به این تعرض چراغ سبز داده بودند. نیروهای پیشمرگ مستقر در کرکوک و برخی مناطق دیگر بدون مقاومت عقب نشینی کردند. این رویداد با تسبانی و همراهی جناحی از سران اتحادیه میهنی کردستان یعنی حزب بزرگ دیسکر ناسیونالیست کرد انجام شد. بنا به گزارشها معامله خانواده جلال طالبانی و قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی نقش کلیدی ای در اشغال کرکوک داشته است.

با اشغال کرکوک بارزانی فوراً اعلام کرد که نتیجه فرماندوم عمومی را معلق میکند و حاضر به مذاکره است. اما عبادی که با دستیابی یک شبه به منطقه نفت خیز کرکوک و برخی مناطق دیگر از موجودی ناتوان و بی اراده به یک مرتبه خود را به رویای دیکتاتور عراق شدن نزدیک میدید، "تعلیق فرماندوم" عمومی را قبول نکرد و بر "لغو کامل" فرماندوم پافشاری کرد. بعبارت دیگر دو طرف با گستاخی و بدون ذره ای توجه و احترام به رای مردم دارند در جلوی چشم مردم با قلدردی رای اکثریت ۹۰ درصدی مردم را سلاخی و باطل اعلام میکنند. و این برای مردمی که رای داده اند بدون تردید بسیار آموزنده است. تا همینجا برای هر کسی که ذره ای تردید داشته روشن میشود که احزاب ناسیونالیست تا چه حد فاسد و گنبدیده و ضد مردمی هستند.

### نتیجه

اعلام فرماندوم عمومی در کردستان عراق گرچه یک بازی سیاسی برای اهداف نازل سیاسی و اقتصادی بود، اما بدون تردید تاثیرات مثبت ماندگار و مهمی بر اوضاع عراق و حتی منطقه خواهد داشت. تجربه نشان داده است که هر جا که نیروهای مرتجع حاکم در رقابتهایشان بناچار پای مردم را وسط میکشند مردم خیلی زود از این تجربه علیه خود آنها استفاده میکنند. هرکس در گوشه زوایای جامعه عراق که شناخت کافی از ماهیت جریانات ناسیونالیست کرد

درد و در سایه آن میتوان و باید ضدیت ناسیونالیسم با مردم را بوضوح به همگان نشان داد.

و بالاخره يك جنبه مهم در تحولات کردستان عراق نقش مخرب و ضد مردمی جمهوری اسلامی است. نقش جمهوری اسلامی در رنج مردم در کردستان عراق که موازی نقش ارتجاعی ای است که در کشورهای دیگر منطقه دارد ایفا میکند، بر هیچکس پوشیده نیست و يك نتیجه منطقی آن همراهی مردم منطقه با

جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران خواهد بود. مردم منطقه هرروز بیشتر و بیشتر جمهوری اسلامی را بعنوان ستون ارتجاع در منطقه و عامل تداوم حاکمیت مقتخوران بر زندگی خود می بینند و بدون تردید خود را با انقلاب مردمی در ایران علیه این حکومت همراه و همگام خواهند دید. انقلاب آتی ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی بدون شك حلقه ای از زنجیره انقلابات آزادیبخش در کشورهای دیگر نیز خواهد بود.

## کارگران تراورس در مقابل مجلس تجمع کردند

کشور نشان داده است که وعده های مسئولین عملی نمیشود و حتی اگر بخشی از حقوق معوقه کارگران پرداخت شود، کارگران ماه بعد با همین مشکل مواجه خواهند بود. تبدیل قراردادهای کوتاه مدت به قرارداد دائم نیز به نیروی بیشتری نیاز دارد. کارگران تراورس در سراسر کشور باید خود را برای يك مبارزه قدرتمندتر آماده کنند. باید مبارزه را سراسری کرد و خانواده های کارگران تراورس را تشویق کرد در تجمعات اعتراضی شرکت کنند. این لازمه موفقیت کارگران است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه و خواست های عادلانه کارگران تراورس حمایت میکند و آنها را به مبارزه سراسری و متحد همراه با خانواده هایشان فرامیخواند. حزب کلیه کارگران و از جمله کلیه کارگران راه آهن را به همبستگی با کارگران تراورس فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ آبان ۱۳۹۷، ۲ نوامبر ۲۰۱۷

صدها نفر از کارگران تراورس از استان لرستان روزهای ۹ و ۱۰ آبان در مقابل مجلس اسلامی و دفتر مرکزی شرکت راه آهن در تهران دست به تجمع زدند و در روز دوم اعتراض کارگران تراورس تهران نیز به آنها ملحق شدند. این تجمع به نمایندگی از طرف ۷۰۰۰ کارگر تراورس، که یکی از شرکتهای اقماری راه آهن در امور نگهداری خط و ابنیه فنی خط آهن کشور است، صورت گرفت. اعتراض کارگران به نپرداختن سه ماه دستمزد و مشکلات بیمه، قراردادهای کوتاه مدت یکماهه و ناامنی شغلی است. کارگران پس از وعده های مسئولان راه آهن و دو نفر از نمایندگان مجلس مبنی بر رسیدگی به خواست های کارگران در روزهای آینده به تجمع خود موقتاً پایان دادند.

مبارزه کارگران تراورس میتواند شروع يك مبارزه سراسری و مهم باشد. باید تلاش کرد هزاران کارگر تراورس در نقاط مختلف کشور همزمان و متحد به میدان بیایند. تجربه کارگران در نقاط مختلف

## حزب کمونیست کارگری ایران

fb.com/wpIran/

## نسل ها و آینده ایران

متن ویرایش شده سخنرانی مینا احدی در کنگره سکولار دمکراتهای ایران بتاريخ ۲۹ اکتبر ۲۰۱۷



فتاحی و فرزند کمانگر و ... و جنبش بخشش و کمپین های بین المللی موفق، اعدام را هم برایشان سخت و سخت تر کرد. يك دستاورد مهم این کمپین ها این بود که امروز در ایران سازمان و حزب و شخصیتی را نمیتوانید ببینید که از اعدام دفاع کند. این مهم است!

آن جامعه اما در چند سال اخیر يك گام بزرگ به جلو برداشت؛ جنبش کارگری، معلمان و پرستاران هر روز در خیابان با فریاد عدالتخواهی و منزلت و معیشت حق مسلم ماست، گوش مقامات را کر کرده است. روزی نیست که جلوی مجلس اسلامی مال باخته و یا کارگری که شش ماه حقوق نگرفته و یا بازنشسته و معلم و پرستار و یا خانواده محکومین به اعدام تجمع نکنند. و يك واقعه مهم در ایران

اینست که رهبران کارگری ابراز وجود کرده اند که در ایران و در دنیا شناخته شده هستند و با رفتن جمهوری اسلامی اینها دیگر نمیکارند فکل و کراواتی های مذبذب و از خود راضی هایی که حکومت کردن را تنها برانزده الیت جامعه دانسته و برای رسیدن به قدرت به هر قیمت دوندگی میکنند، قدرت را گرفته و به کارگر بگویند کمریند هایت را محکم ببند چون فعلا مشغول بازسازی هستیم.

آن جامعه شخم خورده و از درون آن با درد و زحمت فراوان چهره هایی عروج کرده اند همچون جعفرعظیم زاده و محمد جراحی، شاهرخ زمانی و بهنام ابراهیم زاده و زانی همچون پروین محملی ها و لیلا میر غفاری که شجاعانه می جنگند و کوتاه نمی آیند.

آن جامعه به آخوند و اختلاسهای میلیونی و به اسلام بعنوان دستگاه توجیه کننده این جنایات و به سیستمی باروشهای داعشی می

عوارض زندگی زیر سیطره دیکتاتورها است که درونی شده و مهر مقدس روی آن زده اند و تبلیغش میکنند.

نکته دوم در نامه آن جوان، نشناختن ایران امروز بود. در این مورد هم چند نکته میگویم. به نظر منم آن جامعه بسیار عوض شده است و من ادعا میکنم بطرف مثبت.

ایران ۳۸ سال قبل با يك انقلاب برحق که علیه حکومت خفقان آریامهری بود بلند شد و آزادی و رفاه و زندگی بهتر را آرزو کرد. این انقلاب بدلایل معین سیاسی بین المللی و داخلی شکست خورد، بختکی به اسم حکومت اسلامی روی کار آمد و نسل من و نسلهای بعدی در ایران همه زیر و روی این حکومت، اسلام و اسلام در قدرت و سیستم سرمایه داری زیر نظر مثنی اسلامی را دیدند و همه این فجایع را با پوست و گوشت خود لمس کردند.

آن جامعه بلند شده است که در همه زمینه ها با جنبش اسلامی تسویه حساب کند.

اولین حمله اینها به زنان بود و زنان در صف اول تعیین تکلیف با حکومت و حجاب بعنوان سمبل زن ستیزی، جنبشی را برپا کردند که در نتیجه آن در ابعادی میلیونی حجاب پس زده شد و حکومت وگرمه هایش با جرمه و شلاق و زندان توانستند کاری بکنند و این عرصه را عملا تعطیل کردند. الان هم چهارشنبه های بی حجاب در ایران رسم شده و هر پاسدار و نیروی انتظامی و ریشوی حزب الهی که به زنان گیر میدهد جواب در خور را میگیرد.

این حکومت با خون و جنایت و سنگسار و اعدام روی پا ماند. در این زمینه هم جامعه تا حدود زیادی جواب مناسب را داد. با کمپین سکنه آشتیانی تیر خلاص به سنگسار زده شد. در مورد اعدام هنوز راه دراز است، اما کمپین های بزرگ بین المللی مثل کمپین نجات ریحانه و نازنین فاتحی و احسان

ایستاده و فرمان حمله علیه ما میداد، چگونه میتوانم با او متحد شوم.

من نوعی که امروز افق و فعالیت و مبارزه ام مبتنی بر نظرات و تقدیمات متفکرین غربی است، نمی توانم با کسی که کوروش را تقدیس میکند و او را رهبر فکری خود میخواند و یا خاک و وطن برایش مقدس است، باهم متحد شوم.

میخواهم بگویم اختلاف فقط نسلی نیست. همین امروز سازمانی هست که برای ترامپ لمپن و ضد زن و رجز خوان که برایش جنگ اتمی روی میز و يك گزینه است، درود میفرستد و امیدوار است که او حمله نظامی کند و بعدش مهم نیست چه بشود؛ که بعد از يك سناریوی سیاه، او هم سری از سرها در بیاورد، و با سازمان و حزبی که خشت روی خشت گذاشته و جنبش های مترقی و ملدن در ایران را شکل داده و یا به آنها کمک کرده شکل بگیرند، نمیتوانند باهم وحدت کنند؟

پس پاسخ من در این کنفرانس به پدیده وحدت اینست که؛ عملی نیست و باید کاری کرد اتفاقا همه بگویند چه میگویند و چه میخواهند، و مردم بدانند هر حزب و سازمانی از چه دفاع میکنند. این بخشی از پروسه آموزش اجتماعی در آن جامعه است.

اجازه بدهید همین جا يك نکته مهم را اضافه کنم؛ در ایران متاسفانه فضای حزب گریزی و تحقیر فعالیت سیاسی و سازمان گریزی بسیار گسترده است، که سیاست کشیف است، و هر کس مشغول آن هست حتما چیزی کم دارد، مستقل بودن يك فضیلت است و با صدای بلند میگویند من سیاسی نیستم، ولی همان فرد اگر دراروپا مشکل داشته باشد یا جواب منفی به پناهندگی اش بگیرد یا فرزندش در ایران در خطر اعدام باشد، به سازمانهای سیاسی متوسل میشود. در حالیکه فعالیت سیاسی و حزب داشتن و متشکل بودن يك دستاورد مهم بشر در مبارزه سیاسی است. شاید این از

اگر ما پیامی به شما داشته باشیم اینست که؛ این اختلافات واقعی است و در هیچ جای دنیا احزاب چپ و راست و میانه و یا رادیکال و محافظه کار نتوانسته اند و نمیتوانند باهم وحدت کنند و یا ادغام شوند، چرا که هر کدام يك امر، يك خواست و يك ایده آل و آرمان متفاوتی را پی میگیرند، که در مواردی متضاد با امر و آرمانی است که آن حزب دیگر بخاطر آن ساخته شده است. در يك کلام خلاصه کنم؛ جامعه طبقاتی است، و طبقات جنبش های سیاسی مختلفی را شکل میدهند، و از درون این جنبش ها که بر خواسته های واقعی مبتنی است احزاب سیاسی و سازمانها شکل میگیرند که به شکل متمرکز برای رسیدن به این اهداف فعالیت میکنند.

مثالی بزنم؛ سازمانی که خمینی را مترقی و ضد امپریالیست و پدر خود نامید- چه مجاهد و چه بخشی از فدایی و توده ای- و سازمانی که در معیت خمینی به ساختن حکومت اسلامی کمر همت بست مثل بازرگان و یزدی و بقیه، نمیتواند با سازمانی که از روز اول گفت؛ اینها تجسم دیکتاتوری و فاشیسم اسلامی اند، و علیه این حکومت جنگید، باهم متحد شوند. کهنسالان دیدند که؛ برخی به سپاه پاسداران گفتند آنها را مجهز به سلاح سنگین کنید، در مقابل فرمان حجاب خمینی گفتند حجاب امر مهمی نیست و معضل زنان بالای شهری است، با چنین سازمانی من- زنی که در هشت مارس و مقابل مدرسه پروین در تبریز علیه حجاب حرف زدم و گفتم این حکومت ارتجاعی است- نمیتوانیم کنار هم بایستیم. من دانشجوی نمیتوانم کنار سروش بعنوان متفکر و استراتژیست جمهوری اسلامی که انقلاب فرهنگی را توجیه میکرد، بایستم. ما در دانشگاه تبریز ابتدا مردانی با چاقو و زنجیر در دست دیدیم و سپس با اسلحه و تانک به ما حمله کردند و سروش آنور خط

فراخوان کنفرانس شما در سایت اخبار روز منتشر شده بود و يك جوان زیر این فراخوان در فیسبوک کامنتی گذاشته بود که من در سخنرانیم به آن میپردازم.

او نوشته بود؛ نسل متعلق به انقلاب ۵۷ که ۴۰ سال است از ایران دور است، و نسل جوان در ایران را نمی شناسد، نمیتواند با این کنفرانسها گرهی از مشکلات ایران را حل کند!!

تفاوت نسلی يك واقعیت درست این نوشته دوخطی است. بخاطر دارم که وقتی نوجوان بودم پدر بزرگها و مادر بزرگهایمان در مورد مصدق و ۲۸ مرداد حرف میزدند و من فقط می شنیدم؛ صبح مردم به نفع مصدق شعار میدادند، و بعد از ظهر علیه او. این تفسیر عامیانه کهنسالان از يك واقعه مهم بود.

اکنون دو و یا چند نسل در مورد تاریخ پر فراز و نشیب ایران در چهار دهه اخیر طبعاً تفسیرها و تعبیرها و نگاه های متفاوتی دارند.

اما اجازه دهید در ابتدا بگویم این کنفرانسها چه نقش مثبتی میتوانند بازی کنند؛ اگر به دو سوال محوری که در فضای سیاست ایران مثل روح سرگردان در حال گشت و گذار است، پاسخ خودشان را بدهند.

يك سوال و یا موضوع اینست که؛ چرا این همه سازمان و حزب سیاسی باهم کنار نمی آید، تا قدرت همه این نیروها کمک کند حکومت اسلامی زودتر شرش را از سر جامعه کم کند؟ همه ما میدانیم که

برای وحدت و کنار آمدن باهمدیگر، تعدادی از سازمانها هم در مواردی تلاش کرده اند، اما همواره این تلاشها به شکست انجامیده است. سوال اینست چرا؟

به آن جوان در ایران میگویم که؛ این نسل میانسال و یا کهنسال مورد خطاب تو، حداقل به قدمت چهار دهه است که در عرصه سیاست ایران حضور دارد، و از روز اول و در جریان انقلاب و بعد از آن، این تنش ها و اختلافات در بین ما بوده و هست.





## قتل در محیط کار

شهلا دانشفر

حفاری «فتح ۹۵» میدان نفتی رگ سفید روی داد و با کمال تاسف منجر به کشته شدن چند تن از کارگران در این دکل نفتی شد.

اسلامی و صاحبان سرمایه مسئولین مستقیم این اتفاقات ناگوار و قتل آشکار کارگران در محیط های کار هستند.

دو انفجار در فاصله دو روز و با چنین ابعادی از صدمات انسانی، باورکردنی نیست. سال گذشته نیز ما شاهد ۳۴ حادثه در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بودیم که در جریان آنها چندین نفر کشته و مصدوم و یا دچار سوختگی شدید شدند.

جانباختگان پالایشگاه نفت تهران و میدان نفتی رگ سفید را نباید فراموش کرد. این اتفاقات برای کارگران این دو مرکز مهم کارگری هشدار دهنده است. کارگران باید با اعتراض گسترده خود خواستار توضیح روشن مقامات مسئول شوند. کارگران باید ضمن اعلام همبستگی با خانواده های کارگران جانباخته، ضمن حمایت از آنها برای تامین زندگی و معاششان و مسئولیت مستقیم دولت در قبال آنان، صدای اعتراض خود را به این بساط توحش و بربریت بلند کنند. محیط های کار باید ایمن شود و به این جنایت باید خاتمه داده شود.

کمایی ومهران مهریویا جان خود را از دست دادند. بدین ترتیب بازم محیط های نا امن کار از کارگران قربانی گرفتند.

به گفته جمالی پور فرمانده ویژه شهرستان شهر ری کارگران پالایشگاه تهران مشغول تعمیر يك بخش بودند که نشت مواد نفتی با آتش سوزی همراه شد. لطف اله هنگی مدیر عامل شرکت پالایش نفت تهران اعلام داشت که این انفجار بر اثر برداشتن مسدودکنندها و نشت مواد نفتی رخ داده است. او با گفتن اینکه این حادثه در واحد عملیاتی آریزومات رخ داده و این واحد در اختیار تعمیرات بوده است، تلاش کرد خود را در برابر این حادثه مرگبار بی مسئولیت نشان دهد. بعدا نیز اعلام شد که علت دقیق انفجار در دست بررسی است. بدین ترتیب مقامات مسئول در هراس از برپا شدن اعتراض در میان کارگران در برابر این اتفاق ناگوار و مرگ همکارانشان به ضد و نقیض گویی افتاده و سراسیمه جلسه بحران شهرستان ری و استان تهران را با حضور معاون وزیر نفت تشکیل دادند.

گفتنی است که دو روز بعد از انفجار پالایشگاه تهران بود که در هفتم آبانماه انفجار مهیبی در دکل

### دو فاجعه انسانی در پالایشگاه تهران و میدان نفتی رگ سفید

محیط کار باز هم از کارگران قربانی گرفت. طی دو انفجار، در پالایشگاه نفت تهران ۷ کارگر و در میدان نفتی رگ سفید ۵ کارگر جانباختند. جانباختن این عزیزان را به خانواده هایشان، به همکارانشان و به همگان تسلیت میگویم!

بنا بر گزارشات دولتی، ساعت ۴ بعد از ظهر روز جمعه ۴ آبان، انفجاری هولناک در پالایشگاه نفت تهران واقع در جاده قدیم قم و نرسیده به باقرشهر روی داد که در جریان آن متاسفانه ۱۰ کارگر کشته و زخمی شدند. بنا بر آخرین گزارشات در جریان این اتفاق مرگبار ۷ کارگر به اسامی سجاد دارابی، پوریا دارابی، محسن دارابی، افشار میرزایی، کاظم امیری و نعمت کوچایی جان و جواد نوروزی جانباختند. علی نظر جلیلیان مصدوم و در بیمارستان بستری است و خیرها از نامشخص بودن وضع نهایی او حکایت دارد. در اتفاق ناگوار دیگر و در انفجار در دکل حفاری «فتح ۹۵» میدان نفتی رگ سفید، در هفتم آبانماه ۵ تن از کارگران به اسامی محمد سلیمی چگینی، فرزاد ارزانی، داود فریدی، خرمهراد

تازد. شعار میدهند: اسلام را پله کردید مردم را ذله کردید، شعار هفته گذشته مردم در تهران. آن جامعه رنسانس فکری، مذهب زدایی و تعمق را شروع کرده و جنبش خلاصی فرهنگی در ایران میخ خود را کوبیده است. ازدواج سفید و فرهنگ غربی و روابط آزادانه جنسی و... نمونه ای از این تغییرات است. ما به این تغییر و تحولات درود میفرستیم. من فکر میکنم آینده ایران با این نسل و با استفاده بهینه از مبدیای اجتماعی دارد ساخته میشود. اینها آلترناتیو هستند با فرهنگ و اخلاقیات و انسانگرایی و دفاع از مدرنیته و آزادی بیان.

نسل من که در انقلاب ۵۷ بود و اسلحه را از این شانه به آن شانه انداخت برای ساختن همین آینده و این ایران تلاش کرده؛ ۴۰ سال است خانه نترتیم و سیاست کردیم، انقلابی را که حکومت اسلامی با کشتن هزاران نفر سرکوب کرد، ما ادامه دادیم و این انقلاب دارد با همه گذشته ها تسویه حساب میکند. و من خوشحالم که جوانان در ایران نوع دیگری فکر میکنند و خوشحالم که جامعه ایران طوفانی را تدارک می بیند که بر سر در آن، احترام به انسان و مدرنیته و تکثر فکری و آزادی عقیده و بیان و آزادی تشکل و تجمع نوشته شده، و این نسل دیگر اجازه نخواهد داد که دهانها را ببندند و جلوی رشد مردم، جلوی مدنیت و رفاه و آزادی را بگیرند. درود میانسالان و کهنسالان نثار جوانان پیاخته و جنبش های مدرن و آزادیخواه در ایران. جامعه ایران اگر خون بر آن نپاشند میتوانند با این طوفانی که آغاز کرده بساط حکومت را در هم پیچد و زندگی دیگری را آغاز کند. زندگی مبتنی بر رفاه و آزادی و انسانیت برای هر دو نسل و میلیونها نفر آیندگان در جامعه ای که صد سال است برای آزادی می جنگد و هر بار این تلاشها متاسفانه به شکست انجامیده، اما درسهای فراوانی به مردم داده که میتوانند این بار استفاده کنند.

## آکسیون اعتراضی به بازداشت مجدد محمود صالحی و حمایت از کارگران زندانی

برای آزادی رضا شهبابی، اسماعیل عینی، محمود بهشتی، محسن عمرانی، مختار اسدی، آتنا دائمی و تمامی زندانیان سیاسی در جریان است. در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و در اعتراض به جمهوری جنایتکار اسلامی همه مردم آزاده را دعوت میکنیم که در این آکسیون شرکت کرده و صدای کارگران، معلمان و زندانیان سیاسی باشیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
واحد شرق کانادا

خواستار آزادی فوری او هستیم.

خبر دستگیری محمود صالحی زمره های اعتراضی بسیاری را همراه داشته است. تا کنون تشکلهای کارگری زیادی از جمله انجمن صنفی برق و فلز کار کرمانشاه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و تشکلهای دیگری این دستگیری وحشیانه را محکوم و خواستار آزادی فوری وی از زندان شده اند. بعلاوه هم اکنون کارزاری قدرتمند در داخل و در سطح جهانی

هفتگی به دیالیز دارد و عدم انجام آن برایش خطر جانی دارد، اوج توحش رژیم جنایتکار اسلامی را به نمایش میگذارد. محمود صالحی در زندانهای جمهوری اسلامی به انواع بیماریها مبتلا شده است و دستگیری مجدد او در حالیکه وی به معالجه منظم کلیه خود نیاز دارد، بازی با جان اوست. جمهوری اسلامی در قبال هر اتفاقی که برای محمود صالحی روی دهد مسئول است. ما این وحشیگری حکومت اسلامی را شدیداً محکوم کرده و

زمان: جمعه ساعت يك و نیم بعد از ظهر  
مکان: 1992 یانگ روبروی عفوقین الملل  
ساعت ۱۲ ظهر روز ۶ آبانماه محمود صالحی از چهره ها و فعالین سرشناس جنبش کارگری، توسط مامورین لباس شخصی جمهوری اسلامی در جلوی درب بیمارستان بازداشت و برای گذراندن يك سال حبس به زندان سقز منتقل شد. اقدام به بازداشت محمود صالحی، در حالیکه او نیاز مبرم

fb.com/  
wpiran/

## کارگران در هفته ای که گذشت

### شهلا دانشفر

هفته گذشته یکی دیگر از هفته های پر جنب و جوش اعتراضی کارگری بود. تنها در روز ۸ آبان شاهد دهها حرکت اعتراضی در شهرهای مختلف و در تهران بودیم. از جمله برجسته ترین آنها تجمع سراسری بازنشستگان کشوری، فرهنگی، لشگری و تامین اجتماعی در مقابل سازمان برنامه و بودجه، اعتصاب دو هزار کارگر در فاز ۱۳ عسلویه، تجمع اعتراضی پرسنل راه آهن بعثت ۴ ماه دستمزد معوقه و تجمع اعتراضی کارگران در نیشکر هفت تپه در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده شان بود. و بالاخره اینکه آمارها از موج گسترده بیکارسازیها حکایت دارد و یک عرصه مهم مبارزات کارگری امروز، مبارزه علیه اخراجهاست.

### ۸ آبان تجمع سراسری بازنشستگان

ساعت ده صبح روز هشتم آبانماه بازنشستگان کشوری، فرهنگیان، لشگری، تامین اجتماعی مقابل سازمان برنامه و بودجه بنا بر قراری قبلی برای پیگیری خواستههایشان در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. در تجمع روز هشتم آبانماه بازنشستگان همچون تجمعات قبلی شان با شعارهایی چون حقوق ما ریالیه، هزینه ها دلاریه، نیاز ما این زمان، معیشت است و درمان، ما همبسته ایم، از وعده ها خسته ایم، سی و هشت سال گذشته، عدالت کجا رفته، خط فقر ۴ میلیون حقوق ما یک میلیون، یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، نوبخت نوبخت استعفا، تبعیض تاکی؟ اعتراض خود را به فقر، تبعیض و نابرابری، اختلاس ها اعلام کرده و خواستار یک زندگی انسانی شدند. بازنشستگان با شعار تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم بر تداوم اعتراضاتشان پای فشردند. شعارهای بازنشستگان در این تجمع اعتراضی همچنین مضمون پلاکاردهای آنها را تشکیل میداد و در میان آنها شعارهایی چون ما خواستار افزایش حقوقها به میزان ۴ میلیون تومان، معیشت، منزلت،

بیش از هر چیز یادآور اردوگاههای اجباری کار در دوران نازیستهاست. از سوی دیگر عسلویه بعنوان یک بمب انفجاری اعتراض را در برابر خود داریم که بارها شاهد ابراز نگرانی مقامات رژیم نسبت به آن بوده ایم و آنرا خطری برای نظام دانسته اند.

روزی نیست که در عسلویه شاهد اعتراض کارگران در این شرکت و آن شرکت برای نقد کردن دستمزدهای به سرقت برده شان و علیه فشارها و تعدیات کارفرمایان نباشیم. با توجه به گستردگی این مجتمع و همانطور که اشاره کردم وابستگی اش به صنایع نفت که یک بخش کلیدی در اقتصاد ایران است، اعتراضات کارگری در این منطقه جایگاه مهمی پیدا میکنند. از همین روست که اعتصاب دو هزار کارگر در هشتم آبانماه در فاز ۱۳ مقامات مسئول و حراستی هایشان را چنین سراسیمه کرده بود. اخبار هفته گذشته نیز حاکی از گسترش اعتراضات در این منطقه بود و همه شواهد بر وجود زمینه های گسترش بیشتر اعتراضات در این منطقه تاکید دارد. متحد شدن حول خواسته های واحدی از جمله پایان دادن به قوانین ویژه اقتصادی برده وار در این منطقه، که بر اساس آن عسلویه به یک اردوگاه اجباری کار تبدیل شده است، تبدیل قراردادهای موقت کاری که شکل معمول استخدامها در این منطقه است، به قراردادهای دائمی، پرداخت بموقع دستمزدها، متوقف شدن اخراجها، رؤس اصلی خواسته های فوری کارگران در عسلویه در گروه های مدیای اجتماعی گرد آمد و زمینه را برای شکل دادن به اعتراضات متحد و همزمان در این منطقه فراهم کرد. میشود با به بحث گذاشتن این مسائل در مجامع عمومی کارگری، کارگران را حول این خواسته ها و اعتراض به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر متحد کرد.

ضمن اینکه انعکاس فوری و وسیع هر حرکت و اعتراضی در کل این منطقه و در میان کارگران نفت و تلاش برای شکل گیری یک همبستگی وسیع کارگری و سازمان دادن اعتراضات همزمان چندین شرکت و در سطح منطقه میتواند

### کل این منطقه را به تکان درآورد. نیمی از کارگران هفت تپه مزد تیرماه خود را گرفتند

اعتراضات کارگران هفت تپه برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده شان به امری هر روزه تبدیل شده است. کارگران نیشکر هفت تپه همواره با اعتراض و مبارزه شان توانسته اند در مقابل قلدری های مقامات مسئول برای به سرقت بردن دستمزدهایشان و تاخیر در پرداخت آن بایستند. پیگیری و مقاومت کارگران هفت تپه براساسی الگویی برای کل جنبش کارگری است. ۲۸۰۰ کارگر این واحد تولیدی ۴ ماه دستمزد طلب دارند و بدنبال اعتراضاتی که داشتند نیمی از این کارگران در چهارم آبانماه موفق به دریافت دستمزد تیرماه خود شدند. اما کارگران این کارخانه متحدانه ایستاده اند و خواستار تمام طلبهایشان هستند. علاوه بر این ۳۰۰ کارگر دیگری که مشمول مقررات بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور می شوند نیز طلبهایشان را دریافت نکرده اند. همچنین پرداخت حق بیمه ماههای غیر کاری کارگران نیز در مجتمع هفت تپه به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است. نیشکر هفت تپه یکی از مراکز پر جنب و جوش کارگری است.

### موج عظیم بیکارسازیها

بن بست اقتصادی جمهوری اسلامی، ابعاد جدیدی بخود گرفته و بحران و رکود اقتصادی دامن گیر صنایع بسیاری شده است. آمارها حکایت از موج وسیع بیکارسازیها دارد. از جمله بنا بر گزارش خبرگزاری مهر در پنجم مهرماه، در سال ۹۵ یک میلیون و ۷۳۵ هزار نفر از کار بیکار شده و به صف عظیم میلیونی بیکاری پیوسته اند. از این تعداد ۴۴۵ هزار و ۵۳۴ نفر به دلیل موقتی بودن قراردادهایشان و ۲۳۵ هزار و ۸۸۶ نفر مشمول بیکارسازیها شده اند. این روند با شدت بیشتری در سال ۹۶ ادامه داشته است. از جمله در تابستان سال جاری ۶۸۱ هزار و ۴۲۹ نفر به دلیل بیکارسازیها و یا پایان قراردادهای موقت کاری، از کار بیکار شده اند.

بنا بر گزارشات دولتی ۹۶ درصد قراردادهای کاری موقت است. این آمار خود ابعاد وسیعاً

ناامنی شغلی و بیکارسازی های هر روزه نشان میدهد. خواست کارگران تبدیل قراردادهای موقت به قراردادهای دائم کاری، توقف فوری اخراجها، پرداخت بموقع دستمزدها و داشتن یک زندگی انسانی است.

نکته قابل توجه اینجاست که کارگران و کل جامعه در برابر تعرضات هر روزه حکومت به زندگی و معیشتشان ساکت نایستاده اند. جنگی هر روزه بر سر زندگی و معاش در جریان است. از جمله اعتراض علیه بیکارسازی ها که همواره با نپرداختن ماهها دستمزد و حتی حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی همراه است، یک محور مهم اعتراضات کارگری است. در این مبارزات کارگران جانانه ایستاده و از زندگی و معیشتشان دفاع میکنند. یک نمونه با ارزش اعتراضات گسترده در هیکو، آذربای و دیگر کارخانجات اراک است که نقطه عطفی در مبارزات کارگری بود و موجی از همبستگی را بدنبال داشت. اعتراضاتی از این دست بسیار است و ابعاد گسترده و فضای تعرضی آن کیفیتا جدید و نوین است و فضای سیاسی شهرها را تغییر داده است. مبارزاتی که دیگر از اعتراض صرف به بیکارسازیها و وضعیت نابسامان کارخانجات فراتر رفته است. در این اعتراضات کارگران با شعارهایی چون زیر بار ستم نمی کشیم زندگی، جان فدا میکنیم دره آزادی، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد، لاریجانی قاضیه، پشت دزد بازیه، به خیابان می آیند و کل توحش سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند. و اینها شعارهایی است که نه فقط توسط کارگری که کارش را از دست داده و دستمزدش را به سرقت برده اند، بلکه از سوی معلم، بازنشسته، دانشجو، مالباخته و بخش های مختلف معترض جامعه که تحت حاکمیت جانینان اسلامی جانشان به لب رسیده است، سر داده میشود، از این اعتراضات حمایت و پشتیبانی کنیم. از درسهای آن بیاموزیم و در برابر تعرضات حکومت اسلامی و موج وسیع بیکار سازیها و بی تامینی مطلق که تحمیل میشود، متحد و قدرتمند بایستیم.

# Free Them Now!

میشود. او در دادگاه اولیه با اتهامات امنیتی و بخاطر مبارزاتش به ۵ سال حبس محکوم شده است.

خبر دستگیری محمود صالحی زهمزه های اعتراضی بسیاری را همراه داشته است. تا هم اکنون تشکلهای کارگری ای چون انجمن صنفی برق و فلز کار کرمانشاه، اتحادیه آزاد کارگران ایران این دستگیری وحشیانه را محکوم و خواستار آزادی فوری وی از زندان شده اند. بعلاوه هم اکنون کارزاری قدرتمند در داخل و در سطح جهانی برای آزادی رضا شهابی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، محسن عمرانی، مختار اسدی، آتنا دائمی و تمامی زندانیان سیاسی در جریان است. همچنین در اعتراض به فشار برای بازگرداندن جعفر عظیم زاده به زندان اعتراض گسترده ای به راه افتاده است. سندیکای واحد طی اطلاعیه ای محکومیت داود رضوی به ۵ سال را محکوم و خواستار لغو احکام امنیتی صادر شده علیه او شده است. از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات وسیعا حمایت کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com  
Free Them Now  
آبان ۹۶

دسیسه بیدادگاه های قضایی و امنیتی علیرغم اینکه ۶ سال حبس خود را سپری کرده است، به ۹۶۸ روز حبس بیشتر محکوم شده است. او بعد از بازداشتش در اعتراض به این حکم دست به اعتصاب غذا زد و بدنیا کارزاری گسترده در حمایت و همبستگی با وی، بعد از ۵۰ روز با قول پیگیری پرونده اش از سوی مقامات قضایی بطور مشروط به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. اما برای وی هنوز هیچ اقدامی صورت نگرفته است. از جمله در ۱۸ مهر تصمیم گرفته شده بود که او را بدلیل وضعیت بد جسمانی اش به بیمارستان انتقال دهند، اما بنا بر گزارش منتشر شده از سوی خانم ربابه رضایی همسروی، بدلیل اینکه رضا شهابی به بستن قول و زنجیر بر دست و پای خود تن نداد، این کار صورت نگرفت.

## فشار برای بازگرداندن جعفر عظیم زاده به زندان

مقامات قضایی با صدور دستور و اجرایی شدن ضبط وثیقه جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، فشار آورده اند که وی را به زندان بازگرداند. او ۶ سال حکم دارد.

دادگاه تجدید نظر داود رضوی عضو در سیزدهم آبان برگزار



است، بورش برده و ضمن شکستن شیشه ها، با زندانیان سیاسی درگیر شدند. بعلاوه محسن عمرانی از معلمان معترض در بوشهر و مختار اسدی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان با یک سال حکم در زندان بسر میبرند. یک خواست مهم معلمان آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است. معلمان این خواست را بارها و بارها در اعتراضات و مبارزاتشان اعلام کرده اند.

## رضا شهابی تحت درمان قرار گرفت

رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد که به اتهام واهی و با

دارد، بازی با جان اوست. جمهوری اسلامی در قبال هر اتفاقی که برای محمود صالحی روی دهد مسئول است. ما این وحشیگری حکومت اسلامی را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری او هستیم.

## آخرین اخبار از معلمان زندانی

اسماعیل عبدی و محمود بهشتی دو تن از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان در قرنطینه بند چهار بسر میبرند. بنا بر خبرها روز دوم آبان مأموران جنایتکار گارد امنیتی زندان اوین به این بند که در حال حاضر محل نگهداری شماری از زندانیان سیاسی

محمود صالحی دستگیر شد  
آخرین اخبار از معلمان زندانی  
آخرین اخبار از وضعیت رضا شهابی  
فشار بر روی جعفر عظیم زاده برای بازگرداندن وی به زندان

## محمود صالحی دستگیر شد

ساعت ۱۲ ظهر روز ۶ آبانماه محمود صالحی از چهره ها و فعالین سرشناس جنبش کارگری در حالیکه دستگاه دیالیز به او وصل بود، توسط مامورین لباس شخصی جمهوری اسلامی در جلوی درب بیمارستان بازداشت و برای گذراندن یک سال حبس به زندان سقز منتقل شد.

اقدام به بازداشت محمود صالحی هنگام بستری در بیمارستان و زیر دستگاه دیالیز و در حالیکه او نیاز مبرم هفتگی به دیالیز دارد و عدم انجام آن برایش خطر جانی دارد، اوج توحش رژیم جنایتکار اسلامی را به نمایش میگذارد. محمود صالحی در زندانهای جمهوری اسلامی به انواع بیماریها مبتلا شده است و دستگیری مجدد او در حالیکه وی به معالجه منظم کلیه خود نیاز

روز شنبه ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷ مراسم بزرگداشت محمد جراحی در ونکور برگزار شد. در این مراسم که با حضور شماری از فعالین حزب و شرکت نمایندگانی از جریانات سیاسی دیگر در ونکور برگزار شد، ابتدا فهیمه صادقی به حضار خیر مقدم گفت. سپس

مصطفی صابر و عباس ماندگار در مورد زندگی و مبارزات محمد جراحی و موقعیت جنبش کارگری در ایران صحبت کردند. فرصتی نیز برای ابراز نظر و طرح سؤال در اختیار حضار قرار گرفت. در ادامه ویدئو کلیپهایی از صحبتهای محمد جراحی در مورد زندگی و تلاشش



## انترناسیونال

نشریه حزب  
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان  
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

# Securitizing Workers', Teachers', and the General Public's Protests in Iran should be stopped

## Free Them Now

Campaign To Free Jailed Workers In Iran



## Drop the jail sentences against Iranian trade unionists

